

خنده از لب‌های من	حیف با یک اشتباه	فکر می‌کردم چه خوب	کیک می‌پختم خودم
پر کشید و دور شد	زحمت من شد هدر	می‌خورم صبحانه کیک	جمعه شب در خانه‌مان
کل کیکم مایه‌اش	چون نمک را بی‌هوا	جمعه‌ها از این به بعد	در خیالم می‌زدم
شورِ شورِ شور شد	ریختم جای شکر	می‌پزم یک دانه کیک	چند گازی هم به آن

کیک

شاعر: الهام مسینی زاوه

تصویرگر: محمد مسینی



قصه‌درک

شماره ۶۴

آبان

۱۴۰۱

شعبه

بخوانیم

۱۲